

فراتر از خبر

## مقام پيشين پنتاگون: آمريكا در درگيري با ايران «كم ضررترين» گزينه را انتخاب مي‌كند

الكس رثوف اوغلو

۱۴۰۵/۰۶/۰۶



U.S. Navy/Handout (Reuters)

ايالات متحده و ايران ظاهراً به دستيابي به توافقي براي پايان دادن به جنگ نزديك شده‌اند، هرچند توافق نهايي هنوز قريب‌الوقوع به نظر نمي‌رسد و برخي جزئيات كليدي هنوز حل‌وفصل نشده‌اند.

بر اساس گزارش‌ها، توافق در حال شكل‌گيري منجر به بازگشايي تنگه هرمز به‌عنوان يكي از مسيرهاي حياتي انتقال نفت جهان خواهد شد، اما مذاكرات پيرامون برنامه هسته‌اي ايران را به مرحله بعد موكل مي‌كند.

جيسون اچ. كمپبل، پژوهشگر ارشد مؤسسه خاورميانه و مقام پيشين پنتاگون در دوره نخست رياست جمهوري دونالد ترامپ، در گفت‌وگو با راديو اروپاي آزاد/راديو آزادي مي‌گويد توافق گزارش شده «احتمالاً كم ضررترين گزينه‌اي است كه در حال حاضر در اختيار دولت آمريكا قرار دارد.»

- راديو اروپاي آزاد/راديو آزادي: دونالد ترامپ مي‌گويد توافق با ايران نزديك است. از منظر نظامي و راهبردي، پيش از امضاي هر توافقي چه مسائلي هنوز بايد حل‌وفصل شود؟

**جیسون اچ. کمپبل:** فکر می‌کنم بزرگ‌ترین مسائل حل‌نشده در واقع مستقیماً به نتایج نظامی مربوط نمی‌شوند بلکه بیشتر ماهیت راهبردی دارند و به همین دلیل، جزئیات هر آنچه اکنون موضوع مذاکره است، اهمیت حیاتی پیدا می‌کند.

آنچه می‌شنویم، البته از طریق درز اطلاعات و گزارش‌های غیررسمی از طرف‌های درگیر مذاکرات، این است که این روند بیش از پیش شبیه یک تفاهم‌نامه است که آتش‌بس موقتی ایجاد می‌کند. بر اساس آن، نیروی دریایی آمریکا ظاهراً از محاصره‌ای که طی چند هفته گذشته اجرا کرده عقب‌نشینی خواهد کرد و ایران نیز بار دیگر عبور آزاد از تنگه هرمز را، دست‌کم برای دوره‌ای ۳۰ تا ۶۰ روزه، مجاز می‌داند.

اما اگر این گزارش‌ها درست باشد، ایران همچنین به بیش از ۲۵ میلیارد دلار دارایی مسدود شده دسترسی پیدا خواهد کرد و اگر نه تمام توانایی فروش نفت در بازار آزاد، دست‌کم بخشی از آن را حفظ می‌کند. هم‌زمان، مسئله راهبردی اصلی برای ایالات متحده، یعنی آینده ذخایر اورانیوم با غنای بالا و برنامه گسترده‌تر هسته‌ای ایران، عملاً به مذاکرات بعدی موکول می‌شود.

بنابراین وقتی به توازن این توافق نگاه می‌کنید، بخش بزرگی از آن در واقع تلاش برای بازگشت به نوعی وضعیت پیش از آغاز عملیات «خشم حماسی» در اواخر فوریه (نهم اسفند ۱۴۰۴) است، اما این بار ایران در رابطه با تنگه هرمز اهرم فشار بسیار بیشتری دارد و اکنون نیز به میلیاردها دلار دسترسی پیدا می‌کند که پیش‌تر در اختیار نداشت.

باز هم تأکید می‌کنم این جزئیات هنوز غیررسمی است، اما فکر می‌کنم رئیس‌جمهور ترامپ برای ارائه این توافق به‌عنوان یک موفقیت با دشواری روبه‌رو خواهد شد، مگر این‌که در طول این دوره ۳۰ تا ۶۰ روزه‌ای که تفاهم‌نامه مقرر می‌کند، توافقی در زمینه هسته‌ای حاصل شود که از برجام امضاشده در دوره دولت اوباما بهتر به نظر برسد.

### ● **واشینگتن تا چه اندازه می‌تواند به‌طور واقع‌بینانه مطمئن باشد که مسیر هسته‌ای حکومت ایران به‌طور جدی مختل شده است؟**

یکی از جزئیاتی که به‌طور غیررسمی مطرح شده این است که ایران ممکن است با واگذاری یا انتقال کنترل حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای بالا موافقت کند که بخش عمده ذخایر آن را تشکیل می‌دهد.

با این حال، حتی اگر این اتفاق رخ دهد، ایران همچنان مقداری اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد را حفظ خواهد کرد که اگر به سطح تسلیحاتی برسد، بالقوه برای ساخت یک یا دو کلاهک هسته‌ای قابل استفاده خواهد بود. بنابراین، تهران شاید بخشی از ذخایر خود را واگذار کند، اما همچنان سطحی از توان هسته‌ای را حفظ خواهد کرد.

در تصویر بزرگ‌تر نیز ایران همچنان تأکید دارد که به‌عنوان یکی از امضاکنندگان پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای حق دارد غنی‌سازی اورانیوم را ادامه دهد. بنابراین جزئیات در این مورد بسیار تعیین‌کننده خواهد بود.

### ● **شما گفته‌اید تنگه هرمز همچنان مهم‌ترین منبع فشار ایران است. آیا حکومت ایران نشان داده که حتی تحت فشار نیز می‌تواند بازارهای جهانی انرژی را مختل کند؟**

در این مرحله قطعاً همین‌طور است. ایران نشان داده که از طریق تاکتیک‌های نامتقارن می‌تواند اختلال قابل‌توجهی در کشتیرانی بین‌المللی ایجاد کند.

صادقانه بگویم، چون این حوزه عمدتاً در اختیار بخش خصوصی است، لزوماً نیازی به غرق کردن واقعی کشتی‌ها نیست تا جریان رفت‌وآمد مختل شود. صرفاً تهدید به این‌که حاضر است دوباره از چنین تاکتیک‌هایی استفاده کند، مثلاً مین‌گذاری در تنگه، می‌تواند کاملاً تردد را متوقف کند.

بنابراین نحوه مدیریت این مسئله در آینده بسیار مهم و حساس خواهد بود. فکر می‌کنم اکنون برخی کشورهای خلیج فارس و دیگر کشورها در حال رسیدگی به نگرانی‌های فوری امنیتی خود هستند. برای نمونه، آن‌ها با شرکت‌های اوکراینی توافق‌های دفاعی امضا می‌کنند که در استفاده از پهپادها به‌عنوان سلاح دفاعی در برابر پهپادهای شاهد و موشک‌های کروز کم‌ارتفاعی که ایران این بار ترجیح داده استفاده کند، توانایی بالایی دارند.

در نتیجه، اکنون معادلات در حال تغییر است، اما در آینده قابل پیش‌بینی، ایران همچنان دست‌کم تهدید توانایی کنترل تنگه را حفظ خواهد کرد.

### ● به نظر می‌رسد محاصره دریایی آمریکا فشار اقتصادی بر ایران وارد کرده است. آیا این مسئله رفتار تهران را تغییر داده است؟

در حال حاضر فکر می‌کنم این اقدام بیشتر باعث سرسخت‌تر شدن حکومت شده، به‌ویژه با توجه به تغییرات رهبری که پس از چند ترور پر سر و صدا رخ داد.

رهبری کنونی ظاهراً از نظر ایدئولوژیک سخت‌گیرتر است و تمایل کمتری به اعتماد به ایالات متحده یا اسرائیل در جریان مذاکرات دارد. بنابراین شما با حکومتی روبه‌رو هستید که مواضع تندتری اتخاذ می‌کند و برخی اهرم‌های فشار خود را هم می‌شناسد.

اکنون آن‌ها، تا حدی هم مستدل، احساس می‌کنند بیشتر از اقتصاد جهانی می‌توانند فشار اقتصادی محاصره دریایی را تحمل کنند، در حالی که اقتصاد جهانی تحمل بسته ماندن تنگه را ندارد.

### ● اگر مذاکرات شکست بخورد و درگیری‌ها از سر گرفته شود، مرحله آغازین عملیات نظامی احتمالاً چگونه خواهد بود؟

آنچه از ابتدا باید درک شود این است که گزینه‌های نظامی در اختیار آمریکا در واقع نسبتاً محدود است. ما تاکنون شاهد چهار تا شش هفته بمباران و حملات هوایی مداوم بوده‌ایم که در نهایت نه توانست حکومت را تغییر دهد و نه به اندازه کافی توان نظامی آن را تضعیف کند، دست‌کم نه در حدی که موازنه راهبردی را به نفع واشینگتن تغییر دهد.

با توجه به تجهیزات نظامی فعلی در منطقه، آمریکا می‌تواند برای مدتی محدود چنین حملاتی را از سر بگیرد، اما بدون بسیج گسترده نیروهای آمریکایی، واقعاً نمی‌توان آن را تشدید عمده درگیری تلقی کرد.

رئیس‌جمهور ترامپ تهدید کرده که در حملات جدید، زیرساخت‌های کلیدی غیرنظامی را هدف قرار خواهد داد تا حکومت ایران را به میز مذاکره بازگرداند. مشکل این‌جاست که ما پیش‌تر دیده‌ایم ایران احتمالاً در سراسر خلیج فارس و جهان عرب علیه شرکای کلیدی آمریکا حملات مشابهی انجام خواهد داد که می‌تواند به همان اندازه ویرانگر باشد.

این مسئله می‌تواند آمریکا و برخی از این کشورها را که ذخایر مهمات‌شان طی هفته‌های اخیر به شدت کاهش یافته، در موقعیت بسیار دشواری قرار دهد. بنابراین، در حالی که دولت آمریکا همچنان تهدید اقدام نظامی را در صورت شکست مذاکرات حفظ کرده، واقعیت این است که گزینه‌هایی که بتوانند بدون تحمیل خطرات بسیار سنگین، معادله را به سود واشینگتن تغییر دهند، بسیار محدودند.

### ● برنامه‌ریزان نظامی آمریکا اکنون چه درکی از ایران و منطقه پیدا کرده‌اند که شاید ۱۱ هفته پیش به‌طور کامل متوجه آن نبودند؟

فکر می‌کنم یکی از نتایج این بحران است که قابلیت‌های نسبتاً ابتدایی نامتقارن می‌توانند برخی از سامانه‌های پیشرفته‌ای را که آمریکا و شرکای منطقه‌ای‌اش روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به‌ویژه در

حوزه دفاع هوایی و موشکی، تحت فشار قرار دهند.

این موضوع آمریکا را وادار خواهد کرد در نحوه برنامه‌ریزی برای بحران‌های آینده بازنگری کامل انجام دهد. همچنین نیازمند سرمایه‌گذاری در مهمات و سامانه‌هایی است که شاید گران‌قیمت یا «نمایشی» نباشند، اما ضرورت آن‌ها کاملاً ثابت شده است.

این مسئله در حوزه دریایی هم صدق می‌کند. برای مثال، ناوچه‌ها بهترین گزینه برای هدایت عملیات اسکورت در تنگه هرمز هستند، اما نیروی دریایی آمریکا سال‌ها پیش ناوچه‌ها را کنار گذاشت و اکنون دیگر شناوری به اندازه کافی کوچک و مناسب برای اجرای مؤثر چنین عملیاتی در اختیار ندارد. آمریکا همچنین دیگر کشتی‌های مین‌روب مستقر دائمی در منطقه هم ندارد.

بنابراین، آنچه این درگیری آشکار کرد این بود که با وجود قدرت و توانمندی قابل‌توجه ارتش آمریکا، این نیرو در چنین سناریویی آسیب‌پذیر بوده و ناچار است در نحوه مواجهه با شرایط مشابه در آینده بازنگری کند.

### • آیا این درگیری نگاه شرکای آمریکا در خلیج فارس را نسبت به واشینگتن و امنیت منطقه تغییر داده است؟

قطعاً همین‌طور است. در مقیاس کلی، آمریکا همچنان شریک مهم و شریک ترجیحی بسیاری از این کشورها در مسائل امنیتی و دفاعی باقی خواهد ماند. اما برخی فرضیات نانوشته در این روابط، به‌ویژه این تصور که آمریکا همیشه در صورت حمله ایران می‌تواند به کمک این کشورها بیاید، تضعیف شده است.

اکنون این روند را در منطقه می‌بینید. برای مثال، عربستان سعودی و پاکستان یک توافق امنیتی رسمی نهایی کرده‌اند. همچنین گفت‌وگوهای بیشتری میان قطر، ترکیه و مصر در جریان است.

بنابراین، در حالی که رابطه با ایالات متحده همچنان مهم خواهد ماند، این روابط به تحول خود ادامه خواهد داد و برخی کشورها به دنبال ترتیبات امنیتی جایگزین، یا دست‌کم مکمل، در سطح منطقه خواهند رفت.

### • با توجه به رویدادهای روزهای اخیر، آیا حکومت ایران معتقد است که از موضع قدرت مذاکره می‌کند؟

فکر می‌کنم کاملاً چنین باوری دارد. به نظر می‌رسد ایران مصمم است تضمین‌هایی دریافت کند که نه آمریکا و نه اسرائیل حملات بیشتری علیه خاک ایران یا گروه‌های متحدش مانند حزب‌الله لبنان انجام ندهند.

این مسئله می‌تواند روابط میان واشینگتن و اسرائیل را پیچیده‌تر کند، زیرا هر توافق پایداری احتمالاً به آتش‌بسی جامع نیاز خواهد داشت، نه توقف‌های جزئی یا موقت درگیری که در غزه، لبنان و دیگر نقاط دیده‌ایم.

همچنین از گذشته میان واشینگتن و اسرائیل اختلافات دیرینه‌ای درباره اولویت‌ها در قبال ایران وجود داشته است. اسرائیل همواره نه‌تنها بر برنامه هسته‌ای ایران، بلکه بر برنامه موشکی و شبکه نیروهای نیابتی منطقه‌ای جمهوری اسلامی تمرکز داشته است. در مقابل، پیام‌های عمومی اخیر دولت ترامپ بسیار محدودتر و عمدتاً متمرکز بر موضوع هسته‌ای بوده است.

بنابراین این شکاف راهبردی میان واشینگتن و اورشلیم همچنان در آینده اهمیت خواهد داشت.

- پس از ماه‌ها درگیری، تنش در خلیج فارس و نگرانی از جنگی گسترده‌تر، آیا فکر می‌کنید منطقه به‌سوی یک راه‌حل واقعی دیپلماتیک حرکت می‌کند یا صرفاً خود را برای مرحله‌ای دیگر از تقابل آماده می‌کند؟

فکر می‌کنم کاخ سفید بیش از پیش با دو انتخاب بسیار دشوار روبه‌رو شده است.

یک گزینه، تشدید گسترده درگیری نظامی است که به صرف نیرو و منابع عظیم نیاز خواهد داشت. گزینه دیگر دستیابی به توافقی سیاسی است که اگر به‌دقت بررسی شود، ممکن است از توافقی‌های هسته‌ای پیشین که در واشینگتن به‌شدت مورد انتقاد بودند، حتی کمتر جامع به نظر برسد.

بنابراین فکر می‌کنم به تدریج به سمت گزینه دوم حرکت می‌کنیم؛ گزینه‌ای که شاید گزینه خوبی نباشد، اما احتمالاً در حال حاضر بهترین گزینه‌ای است که فعلاً پیش روی دولت آمریکا قرار دارد.

*این مصاحبه برای اختصار و شفافیت ویرایش شده است.*

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

ایران و آمریکا

بایگانی

ایران